



## نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره ی هند

پدیدآورده (ها) : گلی زواره، غلامرضا

فلسفه و کلام :: درس‌هایی از مکتب اسلام :: دی 1395 - شماره 668

از 32 تا 39

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1190680>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 02/05/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

## نفوذ و گسترش اسلام و تشیع

در شبه قاره هند

(۲)

از اهالی جات در منطقه سند ارادتی عمیق به ساحت مقدس مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام داشته‌اند. بنا به نوشته **منهاج سراج** -مولف کتاب **طبقات ناصری** - **شَنَسَب** - که فاتح شمال هند بود - به دست مبارک حضرت علی علیه السلام اسلام آورد و با آن مولای موحدان و پرهیزگاران پیمان وفاداری منعقد ساخت و از ایشان مقررات و دستورالعمل‌هایی را دریافت کرد. محتوای این میثاق، اطاعت از

ارادت به خاندان طهارت در سرزمین سند قرائنی وجود دارد که نشان می‌دهد نفوذ و گسترش اسلام در هند با ارادت به خاندان طهارت توأم بوده است. چنان‌که در زمان حکومت حضرت علی علیه السلام عده‌ای از حماسه‌آفرینان مسلمان موفق گردیدند بعد از فتح سیستان از مرزهای سند عبور کنند و نظام اداری آن را دوباره سازمان‌دهی کنند. عده‌ای

### نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

قلمرو به حجاز می‌رفتند و با ائمه هدی ملاقات می‌کردند و با سیره و روش و مکتب آن ستارگان فروزان آسمان امامت و ولایت آشنا می‌گردیدند و در برنامه‌های آموزشی، علمی و ارشادی خود از فروغ ائمه معصومین استفاده می‌کردند.

**ابو خالد کابلی** از شیعیان حضرت امام زین العابدین علیه السلام گردید و آن وجود مبارک را رهبر و پیشوای خود می‌دانست. او بارها به مدینه رفت و با حضرت امام محمدباقر علیه السلام و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دیدار نمود و از سرچشمه کمالات ملکوتی آن وجودهای مبارک فیض برد.

**سلسله شنسبانی** وقتی **ابومسلم خراسانی** علیه بنی امیه قیام کرد، از وی حمایت کردند و در نابودی و هلاکت دشمنان اهل بیت جدی بودند. در هنگامه روی کار آمدن بنی عباس، سادات، علویان و شیعیان در شرایط سخت و مشقت‌باری قرار گرفتند و ارتباط ائمه هدی با مسلمانان سرزمین‌های گوناگون کاهش یافته و

حضرت علی علیه السلام و جانشینان او بوده است. با خاتمه یافتن دوران حکومت شنسب و هنگام روی کار آمدن حاکم جدید، میثاقی که توسط حضرت علی علیه السلام تحریر گردیده بود، به زمام‌دار جدید تحویل داده شد و او نیز متعهد گردید به شرایط و مفاد این پیمان مقدس عمل کند.

آنان پیروان واقعی حضرت علی علیه السلام بودند و علاقه و اشتیاق نسبت به آن امام همام و اهل بیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله عمیقاً در عقاید ایشان ریشه دوانیده بود و در زمان حکومت ظالمانه و غاصبانه بنی امیه، در سراسر قلمرو امپراتوری اسلامی، اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مورد سب و لعن قرار گرفتند اما امیران مسلمان سند از این اقدام زشت و ناپسند و مذموم تبعیت نکردند، زیرا ارتفاعات غیرقابل نفوذ این منطقه و نیز بُعد مسافت باعث می‌شد که امویان نتوانند سلسله شنسب را تحت نظارت و سیطره خود در آورند.

علما، مشاهیر و متفکران این

و ولایت برادرش امام باقر علیه السلام و حضرت امام صادق علیه السلام قیام مسلحانه علیه دستگاه استبدادی امویان را وظیفه خود می دانست<sup>(۲)</sup>.

**ابوحمره ثمالی** نقل کرده است که امام سجاده علیه السلام فرمود: روزی درب منزلم را زدند و به من گفتند شخصی با شما کار دارد. بیرون آمدم. مردی بود و همراهش کنیزکی. آن کنیز معجری بر سر افکنده بود. آن فرستاده را گفتم، چه کاری دار؟ گفتم: من فرستاده مختار ثقفی هستم. وی سلام می رساند و می گوید: این کنیزک را به ناحیه ما آورده بودند و من او را به ششصد دینار خریدم که اکنون تقدیم تو می گردد. نامه ای نیز به من داد که جوابش را دادم و کنیزک را به اندرون

حتی قطع شده بود. این اوضاع تیره و تار و نیز سیطره ترک ها، شنسبی ها را در اختناق شدیدی قرار داد و شیعیان سند اوضاع مرارت بار و رنج آوری را تحمل می کردند<sup>(۱)</sup>.

اما با وجود این وضع ناگوار و نگران کننده، ارادت و علاقه اهالی سند نسبت به خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه تنها کم نشد، بلکه شدت یافت. یکی از همسران حضرت امام سجاده علیه السلام به نام حوراء کنیزکی از اهالی سند بود و مختار بن ابوعبید ثقفی آن را به امام چهارم اهدا کرده بود. پسری که او از امام زین العابدین به دنیا آورد، همان زید شهید است که در سال ۷۹ ق دیده به جهان گشود و به سال ۱۲۲ ش در عصر حکمرانی هشام بن عبدالملک مروان و به فرمان او و به دست یوسف بن عمر ثقفی به شهادت رسید. امام زاده ای که ضمن برخورداری از کمالات علمی و معنوی، در مبارزه با دستگاه مستبد خلافت بنی امیه بسیار جدی و صریح بود و در عین اعتقاد و اذعان به امامت

۱. الکامل فی التاریخ، عزالدین ابن اثیر، ج ۳، ص ۴۶-۴۵، طبقات ناصری، منہاج سراج جوزجانی، ص ۲۹، تاریخ فرشته، ج ۱، ص ۲۷ و ۹۵، شیعه در هند، ج ۱، ص ۲۳۰-۲۲۹.  
۲. سیره و قیام زید بن علی، حسین کریمان، ص ۱۱-۱۳.

### نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

بردم و گفتم نامت چیست؟ گفت: **حوراء**.  
از او صاحب پسری گردیدم و نامش را زید نهادم که او را می بینی<sup>(۱)</sup>.  
علامه سید عبدالرزاق موسوی مقررّم نوشته است: مادر مکرّمه زید بن علی کنیزی از سرزمین سند هندوستان بود و این بانوی لایق، نیز از زید سه فرزند دیگر به نام های عمرو، علی و خدیجه داشته است<sup>(۲)</sup>.  
این زن هندی کنیزی شایسته و بانجابت بود که آن چنان در نظر مختار جلوه داشت که با خود گفت: من لیاقت این زن را ندارم. او شایسته حضرت زین العابدین است و او را به عنوان هدیه ای با ارزش خدمت امام چهارم فرستاد. روزی چشم امام باقرعلیه السلام به زید افتاد و فرمود: ای زید! مادر بانجابتی تو را زاده است<sup>(۳)</sup>.

اغتشاش گردید. در این میان بعضی از شیعیان برجسته که تحت آزار و اذیت خلفای غاصب اموی بودند، در مناطق دور از حکومت ایمن جابران و شقاوت پیشگان، پناه گاهی برای خود به دست آوردند. سند، غور، خراسان و ماوراءالنهر به مراکزی برای جنبش های شیعه بر ضد ستم گران عصر تبدیل گردید. **زیاد هندی** (یا سندی) در قیام زید بن علی حضور فعال و مؤثر داشت و در رکاب وی

۱. تفسیر فرات کوفی، ص ۷۱، مجالس

صدوق، ص ۲۰۲.

۲. زید الشهید، سید عبدالرزاق موسوی مقررّم نجفی، ص ۵ و نیز: المعارف ابن قتیبه دینوری، ص ۱۳۷، مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، ص ۱۲۷.

۳. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۴۶، ص

۱۷۰، امالی صدوق، ص ۳۳۵، الغدیر، ج ۳، ص

۷۰، غایة الاختصار، ص ۶۶، سرالسلسله

العلویة، ابی نصر بخاری، ص ۵۷-۵۶.

### همراهی و همگامی با علویان

با کشته شدن محمد بن قاسم -فاتح سند و مولتان- توسط سلیمان بن عبدالملک اداره امور سند دچار

مجتبی علیه السلام - در رأس گروهی به بصره رفت و در آن جا مرکب‌هایی تهیه کرد و وارد سندگردید تا اهالی این سامان را برای روی کار آمدن علویان و طالبیان بسیج نماید. عمرو بن حفص پس از آگاهی از نقشه وی، به او و همراهانش خوش آمدگفت و به مأموران خود فرمان داد، عبدالله را در فراهم آوردن تجهیزات یاری نمایند.

یادآوری می‌شود که عمرو اگرچه والی عباسیان بود، ولی نسبت به آل علی ارادت داشت. به همین علت با میل و رغبت پذیرفت که از مأموریت عبدالله برای برانداختن خلافت بنی‌عباس و روی کار آمدن علویان حمایت کند.

در این میان خبر رسید که پدر و عموی عبدالله به دست نظامیان عباسی کشته شده‌اند.

عمرو این فاجعه را به عبدالله تسلیت گفت و با او ابراز هم‌دردی

جنگید تا آن که به سال ۱۲۱ ق کشته شد<sup>(۱)</sup>.

ابومسلم خراسانی که در براندازی امویان دخالت عمده‌ای داشت و ابوالعباس سفاح به عنوان نخستین خلیفه عباسی را به قدرت رساند، سپاهی را به فرماندهی مخلص عبد سجستانی به سند فرستاد، اما وی موفق نشد والی عباسی را در آن منطقه مستقر سازد و کشته شد. پس از او موسی بن کعب تمیمی به جای او تعیین گردید. اگرچه او در حکمرانی منطقه سند موفقیت‌هایی به دست آورد، اما در سال ۱۴۱ ق درگذشت. پسرش - عیینه - نتوانست از عهده اداره حکومت سند بر آید. از این رو منصور دوانیقی - دومین خلیفه عباسی - عمرو بن حفص را به عنوان حاکم این سامان تعیین نمود. عمرو که به شجاعت و شهامت معروف بود در سازمان اداری سند تحولات عمده‌ای به وجود آورد.

در اوایل امارت او عبدالله بن محمد (نفس زکیه) - نواده امام حسن

۱. مقاتل الطالبيين، ابوالفرج اصفهانی، ص ۲۳۶.

### نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

کرد. عبدالله با دریافت این اخبار، به شدت برآشفته و از عمرو خواست در چنین موقعیت خطرناکی او را تنها نگذارد که وی عبدالله را نسبت به حمایت خویش مطمئن ساخت و در قلمرو یک راجه مستقل هندی در جوار مرزهای سند برای او حق پناهندگی گرفت.

**راجه هندی** از عبدالله استقبال گرمی کرد و پیروان عبدالله وقتی این میهمان‌نوازی آن امیر هندی را دیدند، با آرامش کامل در آن قلمرو به فعالیت‌های ارشادی و ترویج معارف اهل بیت مشغول گردیدند.

اما وقتی منصور دوانیقی از اجتماع علویان در سند باخبر شد، در سال ۱۵۱ق طی نامه‌ای از عمرو خواست در این باره به او گزارش دهد.

وی با مشاوران خود به مشورت پرداخت. یکی از حامیان وفادار عمرو پذیرفت که مسئولیت پناه دادن به عبدالله را بپذیرد اما عمرو مایل نبود که به خاطر خودش دیگری جان خود را از دست بدهد، ولی او با اصرار زیاد

از عمرو خواست پیشنهاد او را بپذیرد.

عمرو سرانجام تقاضای او را پذیرفت و او را در حالی که با زنجیری بسته شده بود، به مقر حکومت عباسیان در بغداد فرستاد و در آنجا به خاطر پذیرفتن مسئولیت پناه دادن به عبدالله بن محمد (نفس زکیه) اعدام گردید.

خلیفه عباسی اگرچه نمی‌توانست کاری علیه عمرو بن حفص انجام دهد، ولی به سبب وضعی که در قلمرو حکومت وی پدید آمده بود، او را به آفریقای شمالی تبعید کرد و هشام بن عمرو تغلبی را به جای او گماشت.

وی دستور داشت اگر راجه از تسلیم عبدالله امتناع کند، به سرزمینش حمله کند و عبدالله را دستگیر و تحویل خلیفه عباسی دهد. هشام نیز که از حامیان علویان به شمار می‌رفت و دل خوشی از خودکامگان و جفاگستران عباسی نداشت، بنای وقت‌کشی و مکاتبات طولانی با راجه

خودش نیز به شهادت رسید و جنازه‌اش قابل تشخیص نبود و بنا به برخی از روایات، توسط پیروانش به رودخانه افکنده شد تا دشمنان نتوانند بر آن تعرض کنند و بعد برای خلیفهٔ خلافکار عباسی بفرستند<sup>(۱)</sup>. هشام از مرگ عبدالله متأثر و محزون شد، اما نتوانست علیه برادر خود که از دستور خلیفه اطاعت کرده بود، کاری انجام دهد.

پسر عبدالله -محمد- و حامیان او مدتی در سرزمین هند زندگی کردند و سرانجام با فرمان منصور عباسی، هشام موظف گردید به سرزمین مذکور حمله کند و در سال ۱۵۱ق راجه را شکست داد و قلمرو او را تسخیر کرد و طبق دستور خلیفه، فرزند عبدالله و مادرش را که در این تهاجم اسیر شده بودند، به مدینه فرستاد. عده‌ای از حامیان این شهید علوی کشته شدند و

هندی را گذاشت و در این زمان در سرزمین سند که هم‌مرز با قلمرو آن راجه بود، شورشی به وجود آمد. هشام بن عمرو برادر خود -سفیح- را به عنوان فرمانده نیروهای اعزام شده علیه آن آشوب‌گران به مکانی که اغتشاش به وجود آمده بود فرستاد. وقتی سفیح به مرز رسید، گرد و غباری از دور نمایان شد.

او به تصور این‌که شورشیان قصد یورش دارند، دستور حمله را صادر کرد، اما با فرو نشستن گرد و خاک معلوم شد عبدالله همراه سواران خویش مشغول شکارند.

سفیح به افراد خود دستور داد که عبدالله را دستگیر نمایند و بعضی از مشاورانش به او گوشزد کردند که از کشتن اولاد رسول اکرم صلی الله علیه و آله خودداری کند، اما او به این توصیه‌ها اعتنایی نکرد و فرمان داد آن علوی را دستگیر نمایند. عبدالله که چاره‌ای جز دفاع از خود نداشت، با یاران خود شجاعانه به نبرد پرداخت و بعد از این‌که عده‌ای از افراد متخاصم را کشت،

۱. الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۵۸۸، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۳۶، مقاتل الطالبیین، ص ۱۴۳، شیعه در هند، ج ۱، ص ۲۳۲-۲۳۱.



### نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

برخی هم در نقاط گوناگون سند پراکنده شدند. به‌رغم چنین وقایع تلخی در قرن دوم هجری، علویان فعالانه تشیع را در سند و هند رواج می‌دادند.

برخی از اهالی این سامان از تعالیم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پیروی می‌کردند. از میان راویان حدیث امام صادق، مشهورترین آنان **ابان سندی**، **خلاد سندی**، **فرج سندی** می‌باشند، اما متأسفانه از تلاش‌های علمی، آموزشی و ارشادی آنان در سرزمین سند آگاهی‌های مستندی در دست نیست<sup>(۱)</sup>.

در قرن سوم هجری **ابو عبدالله جعفر بن محمد بن عبدالله** از نوادگان حضرت علی علیه السلام از حجاز وارد مولتان هند گردید. فرزندانش از این مأموریت وی حمایت کردند.

آنان با خانواده‌های حکام محلی و شخصیت‌های برجسته آن نواحی، پیوند خانوادگی و خویشاوندی برقرار کردند و این روند در تحکیم موقعیت اجتماعی و سیاسی ابو عبدالله جعفر

سهم به‌سزایی داشت. بعدها **مولتا** به دست طایفه **حبّاری** از اعراب مکه و متعلق به قبیله قریش افتاد. آنان در حکومت‌های محلی و ناحیه‌ای، مشاغل مهم و کلیدی را در اختیار گرفتند و رفته رفته حکومت نیمه‌مستقلی تشکیل دادند.

پیوند حبّاری‌ها با علویان نامدار و سرشناس، موجب افزایش اقتدار و صلابت این سلسله گردید و به جنبش شیعیان در مولتان تحرک خاصی داد<sup>(۲)</sup>.

۱. الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۵۹۷-۵۹۵، نزّهة الخواطر، عبدالحی، ج ۱، ص ۵۲-۵۱، مبارزات شیعیان در دوره نخست خلافت عباسیان، سمیره مختاراللیثی، ص ۴۳.

۲. نرّهة الخواطر، ج ۱، ص ۵۲، شیعه در هند، ج ۱، ص ۲۳۵.